

اعضای تیم پرافتخار رباتیک دانشگاه آزاد اسلامی
مدال های خود را به ساحت مقدس امام رضا(ع) تقدیم کردند

رباتیک تفسیر «ما می توانیم»

**دکتر ولایتی: به زودی شکوفایی های بزرگی
در دانشگاه آزاد خواهیم داشت**

**دکتر رهبر: مدال آوران در دانشگاه مشغول می شوند
آیت الله رئیسی: توان عبور از همه مشکلات را داریم**

عضو تیم «MRL» دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین:

**برنده های برتر صنعتی خارجی به دنبال
دانشجویان ایرانی هستند**



۸،۲۰۰

گزارش تحلیلی «فرهیختگان» از آینده بازار نفت ایران

آینده امیدبخش نفت

در صورتی که ایران بتواند بازارهای آسیایی خود را مانند سال های ۹۱ و ۹۲ حفظ کند، درآمد ارزی حاصل از فروش نفت به کمتر از ۴۵ میلیارد دلار نخواهد رسید که برای تامین نیازها کفایت می کند

۹۰۰



عکاس: فراس ان

روایتی از قتل ۱۷۰۰۰ ایرانی توسط منافقین

وسرویس دهی آنها به دولت های غربی

جنایت ومکافات

۲۰۰۰

دوازدهم تیر ۱۳۹۲

روحانی: من با آگاهی از همه مشکلات در این راه قدم گذاشتم

در صفحه حافظه بخوانید

روسیه برای قاره کهن خوش یمن بود

۲۰۱۸ بهترین نتیجه آسیایی ها در تاریخ

۱۰۰۰

تبلیغ هوشمندانه به سبک مهدویان

**حسین مهدویان در «ماجرای
نیمروز ۲» می خواهد به سبک
جریان سازنده فوتبالی جنوب
شهر از زمین های خاکی هنر
بازیگر جذب کند**

۲۰۰۰



۱۰۰۰

یادداشت دو

نقد و حمایت از دولت چطور قابل جمع است؟

خوردن را تجویز می کرد امروز و در شرایط سخت آشکار شدن شکست ایده به راحتی همان آب خوردن پای خود را پس می کشد و با همان مبنای تجربه گرایی می گوید از اول توقعات دولت از برجام اشتباه بوده و تیم دیپلماسی دولت متوهم است و...

لایه دوم بخشی از بدنه سیاسی اصلاح طلب رادیکال هستند که در سال ۹۲ و در حالی که با توجه به خطای سیاسی بزرگ در سال ۸۸ خود را از کنشگری سیاسی مستقیم محروم کرده بود، به سمت حسن روحانی که ذاتا خاستگاه راست داشت حرکت کردند؛ جبرانی که در خرداد ۹۲ توانسته بود به شکل عاریه ای به صحنه سیاست بازگردد و با ادوات شخص دیگری داماد شود و از فردای پیروزی سعی کرد نسبتش را با دولت روحانی مشخص کند؛ ساخت تعابیری مانند رحم اجاره ای یا نسخه پاپیون پیچ آن مثل دولت نرمالیزاسیون از دل همین استراتژی بیرون می آمد؛ استراتژی ای که سعی می کرد پیروزی های اجتماعی احتمالی دولت را به حساب سیاسی خود واریز و پیامدهای منفی شکست ها و کاستی های سیاسی و اقتصادی را از خود دور کند. از چنین جبرانی بعید نبود چند ماه بعد از بالا رفتن پرچم سفید برجام برای اولین بار و از زمان فردی مانند سعید حجاریان، لفظ استعفای دولت روحانی را طرح کند و بعد با ادبیاتی دیگر توسط حسین موسویان رفیق شفیق سابق تیم دیپلماسی دولت تکمیل شود. این ادبیات سازی روز چهارشنبه با واکنش صریح و بی سابقه حسن روحانی همراه شد. البته هنوز این سوال در بدنه اجتماعی این جریان وجود دارد که آیا به راحتی و با چند متن و سخنرانی می توان هزینه های شکست یک ایده را به جای دیگری حواله کرد؟

لایه سوم حمایت از این ایده به بخش هایی از بدنه سازندگی به عنوان شاخه پراگماتیست اصلاحات و بخشی از جریان راست سنتی که در برخی قوا حضور موثر دارند، برمی گشت؛ جبرانی که هنوز نمی داند با شکست ایده توسعه تک ساحتی دولت روحانی چه بکند گاهی به چپ می زند و گاهی به راست، گاهی از لزوم تقویت دولت می گوید و گاهی نقد می کند تا باری آینده سیاست ورزی اش ردی از نقد به جای گذاشته باشد. فارغ از موافقان ایده دولت که سیاست ورزی شان پس از اعلام مواضع رئیس جمهور ممکن است دچار تغییر و دگردیسی شود، منتقدان ایده توسعه تک ساحتی پرروزا و همگرا با غرب هم باید نسبت به مساله مهمی تعیین تکلیف کنند، مساله حیاتی این جریان تفکیک دو موضوع از هم است؛ اول دولت روحانی به عنوان دولتی که سه سال دیگر رسماً، قانونا و شرعاً دولت جمهوری اسلامی ایران است و دوم ایده شکست خورده همگرایی با غرب، البته این تفکیک تا نقطه ای امکان پذیر است، این نقطه را چه چیزی تعیین می کند؟ اول حرف و عمل دولت و دوم مصالح کشور. اینکه دولت روحانی خلاف سال های نخست، منتقدان را به رسمیت می شناسد و دعوت به وحدت می کند نقطه ای امیدبخش است، اما جریان منتقد باید این اطمینان را حاصل کند که دعوت به وحدت تنها برای شرایطی خاص و پیچیده نیست و وقتی شرایط تغییر کرد روز از نو نشود روزی از نو.

وقتی حساب یک ایده از دولت سوا شود آن وقت دو امکان فراهم می شود؛ اول اینکه جریان منتقد ایده شکست خورده این فرصت را می یابند که در شرایط نو اجتماعی-سیاسی که حالا بخش هایی از دولت هم به آن پیوسته اند اشتباه بودن یک ایده و ناکارایی آن را به ساحت های مختلف اجتماعی ببرند و تبدیل به گفتمان کنند و دوم آنکه با عاملیت همان دولت با همگرایی و با پذیرش سلاقی مختلف، مصالح ملی کشور را پیش ببرند و در فضای وحدت حداکثری ناکارایی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که امکان سوءاستفاده دشمن را فراهم کرده است، رفع کنند.

به طور آشکار موقعیت سیاسی - اجتماعی حسن روحانی بعد از سخنرانی چهارشنبه ششم تیر با قبل از آن متفاوت است، دعوت به وحدت سیاسی با اشاره تلویحی به شکست ایده همگرایی با غرب و تأکید بر لزوم برخی تغییرات در بدنه دولت برای تغییر در شرایط اقتصادی دو نکته کانونی سخنان رئیس جمهور است که زمینه را برای برخی دگردیسی های سیاسی در فضا آماده می کند.

صف بندی منتقدان و مدافعان روحانی در سه سال باقی مانده از دولت هر چند از شرایط جدید دولت اثر می گیرد، اما نمی توان آن را جدا از خط کشی های سابق سیاسی هم تفسیر کرد. اگر با متغیری به نام دولت روحانی، گروه های سیاسی را حداقل فاصل دوطیف منتقدان حداکثری و موافقان حداکثری تقسیم کنیم، قطعاً ایده دولت برای اداره کشور که صریحاً توسط جناب روحانی در تبلیغات انتخاباتی سال ۹۲ طرح می شد نقش مهمی در این صف آرایی بازی می کند.

حسن روحانی در انتخابات ۹۲ با یک ساده سازی حرفه ای عرصه سیاسی کشور را در فهم از مساله توسعه به دو بخش تقسیم کرد؛ بخشی که می خواهند و می توانند با همگرایی با غرب بر همه مشکلات فائق بیایند و دسته ای که مخالف این ایده هستند.

اگر از زمینه های اجتماعی و عوامل سیاسی و غیر سیاسی که در آن برهه زمانی به پیشبرد این دوگانه سازی ناقص و ناکارآمد کمک کرد بگذریم، حالا و در سال پنجم دولت داری روحانی فرصت مناسبی است که با انباشتی از تجربه میزان کارایی این ایده محک بخورد، قبلاً در یادداشتی به عنوان مدد در روحانی در شرایط پساپرواز دلار به شکل مبسوطی گفته بودیم که حتی در شرایط شکست ایده دولت هم باید به دولت کمک کرد-حتی اگر دولت در مواجهه با یک یادداشت کوتاه و مشفقانه دیگر با ترش رویی و اعمال فشار برخورد کند-اما شاید این سوال پیش بیاید حالا که می توان گفت ایده مرکزی که در این سال ها تبلیغ می شد شکست خورده، آیا زمان مناسبی برای طرح موضوع کمک به دولت است؟ آیا این یک تعارف سیاسی نیست؟ اجمالاً باید گفت کسانی که ایده کمک به دولت را سیاسی می خوانند احتمالاً ذهنیت شان متأثر از رفتار گروه های سیاسی است و روزی موافق این ایده بوده اند و حالا به جرگه منتقدان پیوسته اند.

اما برای پاسخ تفصیلی تر به سوال بالا باید نسبت هر جریان و گروه سیاسی را با دولت روحانی و ایده دولت در سال ۹۲ و وضعیت کنونی آنها بازخوانی کرد؛ بدون شک همه کسانی که با ایده دولت در سال ۹۲ و بعد از آن موافقت داشتند از انگیزه یکسانی برای این موافقت برخوردار نبودند و به تعبیری هر کدام از ظن خود همراهی و هم سوئی ای ابراز می کردند که در میان موافقان حداقل سه لایه فکری، سیاسی وجود داشت.

در لایه اول موافقت با ایده جبرانی دانشگاهی با محوریت دکتر سریع القلم وجود دارد که سال ها در فضای آکادمیک قرائتی خاص از توسعه را طرح و ترویج می کند، در پارادایم فکری این جریان که مبتنی بر نوعی پوزیتیویسم حاد است تعریف از «توسعه» به تجربه توسعه در جهان محدود است، این تلقی از نحوه توسعه یافتگی با خود پیامدها و اولویت گذاری هایی دارد. از مهم ترین پیامدهای آن این است که روابط خارجی با کشورهای غربی اولویت نخست ماست، چراکه آنها جهان توسعه یافته اند و توسعه تنها از طریق ارتباط و تعامل مثبت با جهان توسعه یافته امکان پذیر است، این پارادایم فکری متناسب با پوزیتیویسم همان گونه که روزی گروزدن برجام با آب



محمد زیم زاده
جانشین سردبیر

۱۰۰۰

دو پیام از آیت الله خامنه ای و فرصت تاریخی برای فوتبال

وقتی آلمان ها می خواستند قهرمان ۲۰۱۴ شوند، در طول سال های منتهی به جام جهانی برزیل، حتی پست چند بازیکن تیم ملی این کشور در تیم باشگاهی شان هم با فدراسیون و سرمربی تیم ملی هماهنگ می شد. همان طور که تیم ملی فرانسه وقتی قهرمان جام جهانی ۹۸ و یورو ۲۰۰۰ شد، نسلی طلایی به صورت متمرکز شناخته شد. از این گونه مثال ها زیاد است.

۳-موقع بازی ایران و اسپانیا یا پرتغال چه حسی داشتید؟ نگران بودید؟ استرس داشتید؟ آرزوی معجزه و پیشرفت داشتید؟ شاید این حس عمومی و نیاز به موفقیت جمعی در طول تاریخ آن هم به صورت همزمان در یک ساعت مشخص هیچ وقت به غیر از زمان آن بازی ها تکرار نشده و نشود. برای بالا رفتن از گروه و شکست پرتغال به دقت کم مهدی طارمی با دروازه ای که فقط ۳۰ سانت آن سوتر کاشته شد ایراد می گیریم، اما انصافاً برای این موفقیت به اندازه کافی فکر و برنامه نداشتیم. قلب و چشم ما تا صبح پنجم تیر اشک بار بود، حسرت بعد از ضربه طارمی تا باید با ما خواهد بود، تا وقتی زنده ایم تصور گل نشدن آن توپ ما را عذاب خواهد داد و... اما برای آن لحظه به اندازه اش کار نکرده بودیم. ما تازه چند روز قبل از بازی با مراکش یادمان افتاد چقدر فوتبال مهم است. هنوز سیستم حاکم بر تصمیم گیری کلان دولتی و اجرایی کشور کار مبنایی برای پیشرفت فوتبال ایران نکرده است. اینکه در طول تاریخ ایران هیچ وقت از مرحله گروهی جام جهانی بالا نرفتیم و بیش از ۴۰ سال دوری از قهرمانی جام ملت های آسیا برای ما یک ذخیره منفی محسوب می شود. باید فکری کنیم.

ما برای شادی جمعی و رضایت عمومی دغدغه داریم، اما راه درستی را انتخاب نکرده ایم، نیاز جمعی ما به هیجان و شور و موفقیت می تواند از «آزادراه» فوتبال تأمین شود. اما فوتبال کنونی ایران فاقد یک نقشه راه کلان، بدون پشتوانه حقیقی و اصل در مرکزیت تصمیم گیری کشور است. همین بی مبنایی، فوتبال ایران (فرشته نجات جمعی ما) را در اختیار کم هوش ها و کم دان ها قرار داده است. چرخه عادی فوتبال هم برخی را معروف می کند، آن معروف ها سطحی هستند اما صاحب تربیون. برای همین می شوند ویتترین فوتبال. نتیجه چیست؟ تصمیم گیران اصلی سیستم کشور از فکر جدی درباره فوتبال امتناع می کنند و آن را جدی نمی گیرند. این در حالی است که این ویتترین قابل اصلاح است و نباید ظرفیت حقیقی فوتبال و توانایی آن برای کمک به کشور را نادیده گرفت.

۴-حالا یک فرصت تاریخی برای تصمیم سازان و تصمیم گیران به وجود آمده است. در طول کمتر از یک هفته، صدور دو پیام تشکر رهبر انقلاب برای تیم ملی فوق العاده اهمیت دارد. محدودیت «رهبر سیاسی بودن» آیتا... خامنه ای را در نظر بگیرید، اما مهم تر از آن در این مورد، مرجعیت مذهبی ایشان است. در طول تاریخ توجه یک مرجع تقلید شیعی بزرگ به یک پدیده به ظاهر غیرسیاسی و غیرمذهبی آن هم در طول یک زمان محدود بار معنایی ویژه ای دارد. سیستم تصمیم ساز و تصمیم گیر کشور اگر تاکنون از اهمیت ورود جدی به فوتبال غافل بودند حالا دیگر حق ندارند غافل باشند. ظرفیتی که توجه ایشان به موفقیت تیم ملی در جام جهانی ایجاد کرد، خارج از توان و عرضه مدیران فعلی ورزش کشور است.

من باور دارم اگر مدیران فوتبال به جای کار تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی برای شخص خودشان به منظور پیشرفت آن کار کنند، ایران ظرفیت ورود به بزرگان فوتبال دنیا را دارد. حس غرور ملی در سه بازی تیم ملی در روسیه می تواند در آینده بارها و بارها تکرار شود. ما به این حس غرور نیاز داریم.

مسعود فروغی
سردبیر

درباره نسبت فوتبال و وضعیت اجتماعی ایران قابل طرح است. کسانی مثل من که تقویم زندگی شخصی شان هم با فصل های فوتبالی تنظیم می شود، خوب می دانند ایام جام جهانی «قله فوتبال» است نه «همه فوتبال». این روزها به طور طبیعی چتر توجه به فوتبال و مشتقاتش بسیار گسترده شده، انرژی عمومی وحشتناکی که در خیابان های تهران چند ساعت بعد از بازی با پرتغال دیدم فراتر از تصور است. این «حس ملی» عمیق و احساس «رضایت جمعی» بی نظیر که شامل کوچک و بزرگ، چپ و راست، ملی گرا و مذهبی، بدون قومیت و یک دست بود چگونه قابل محافظت و ارتقا است؟

۱-فوتبال یک ورزش و رقابت حرفه ای عادی نیست. سازوکار جهانی فوتبال با مناسبات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ها در هم تنیده است، ساختار وسیع جهانی شکل گرفته در ۱۰۰ سال اخیر و اهمیت فوق العاده فوتبال خارج از عرف های ورزشی قابل تحلیل است. یک توضیح اجمالی درباره این صورت بندی این گونه است: هر چهار سال یکبار با برگزاری جام جهانی، تقویم فوتبال یکبار ورق می خورد. کشورها در یک ساختار گسترده جهانی در تقسیم بندی قاره ای از پایین ترین سطح ممکن رقابت برای حضور در مهم ترین ویتترین ورزشی دنیا را آغاز و دست آخر ۳۲ کشور دنیا (از سال ۲۰۲۶ میلادی ۴۸ کشور) اجازه شرکت در جام جهانی را پیدا می کنند. این ۳۲ کشور هم همان طور که الان مشاهده می کنید در نزدیک ترین رقابت ممکن با هم می جنگند (تاکید می کنم می جنگند) تا مرحله به مرحله بالا بروند.

نمی دانم با وجود دیدن گستردگی شور و هیجان در کشورها برای رسیدن به جام جهانی و تلاش ستاره ها برای ماندن و بالا رفتن در جام نیاز است که باز درباره اهمیت فوتبال حرف بزنم یا نه؟ درواقع تمام رقابت های باشگاهی و ملی در طول چهار سال بین جام های جهانی ارزشی در نسبت موفقیت ملی در جام جهانی پیدا می کنند. به نسبت، بازی جام ملت های هر قاره اهمیت دارد. وقتی همین کریس رونالدوی پرتغالی توانست جام یوروی ۲۰۱۶ را بالای سر ببرد، انگار سطح متفاوتی با رقیب فوق ستاره اش یعنی «لیونل مسی» پیدا کرد. شاید برای برخی که مسخ محبت باشگاه های داخلی و خارجی هستند و ستاره مورد علاقه شان موفقیت بزرگ ملی ندارد تئوری های ضدملی جدیدی پیدا شده باشد، اما همان تربیون هایی که در مدح رقابت های باشگاهی و علیه ماندگاری ابهت سابق جام جهانی حرف می زنند، می دانند مهم تر از روزهای جام جهانی و پرمخاطب تر از این روزها، هیچ روزی نیست. (دراین باره بعدها خواهیم نوشت)

۲-فوتبال اولین و مهم ترین پدیده ای است که توانایی ایجاد حس موفقیت جمعی و ملی دارد، یک رقابت تمام عیار بین المللی که توانایی هایی فراتر از ورزش نیاز دارد. همین رقابت های فصلی فوتبال در تمام دنیا، در هم تنیده با یک دنیا مفاهیم اقتصادی و اجتماعی است. در مسیر رسیدن به قله (پایان جام جهانی و رتبه بندی تیم ها) راه طولانی وجود دارد. یعنی برای بالا رفتن و ماندن در نزدیکی های قله دنیا باید تجهیزات و آمادگی های فراوانی فراهم کرد. مگر می شود بدون آمادگی و بدون هیچ امکاناتی به قله نزدیک شد؟ مگر می شود به ایستگاه های پایانی آرزوهای فوتبالی دنیا رسید بدون آنکه برنامه ای داشت؟ برگزاری هزاران فوتبال داخلی در طول سال و ده ها بازی با رقبای آسیایی در طول سال، هرچند به خودی خود مهم و حساس است، اما وقتی با رقابت سنگین چهار سال یکبار جام جهانی مقایسه می شود، اهمیت متفاوتی پیدا می کند.